

Unit 17 book 6

شتاب گرفتن

سرعت گرفتن به معنای افزایش سرعت است.
وقتی او روی پدال گاز رفت موتور سیکلت شتاب گرفت.

از نو

اگر کاری را از نو انجام دهید ، دوباره آن را انجام می دهید و به روشی دیگر.
اگرچه او در آزمون رانندگی خود قبول نشده بود ، اما تصمیم گرفت آن را دوباره از نو انجام دهد

کاستی

نقص بخشی از چیزی است که اشتباه است یا از دست رفته است.
همه این بطری ها دارای نقص هستند و باید به انبار برگردانده شوند.

دلگیر

اگر چیزی دلگیر باشد ، کسل کننده ، تاریک و بی روح است.
بعد از آتش سوزی ، این بخش از جنگل بسیار دلگیر است.

نسخه بردای کردن

نسخه بردای کردن چیزی به معنای کپی کردن آن است.
او حرکات دوستش را مثل اینکه جلوی آینه بود تکرار کرد.

الکترومغناطیسی

اگر چیزی الکترومغناطیسی باشد ، مربوط به برق و میدان های مغناطیسی است.
رنگهای مختلف نور از سطوح مختلف انرژی الکترومغناطیسی حاصل می شود.

الکترون

الکترون ذره ای در همه اتم ها است که دارای بار الکتریکی منفی است.
تعداد الکترون های یک اتم ، ماده ای را که اتم ها می سازند تعیین می کند.

سبک پریدن

سبک پریدن یعنی پرواز با بالهای کشیده با کمی کوشش.
هنگامی که باد می وزد ، پرندگان می توانند به راحتی به آسمان بپرند

مبتکر

اگر کسی مبتکر است ، پس بسیار باهوش است.
چارلز تنها فردی بود که قادر به تعمیر موتور هواپیما بود.

نوآوری

نوآوری محصول یا ایده ای جدید یا بسیار بدیع است.
خانم جانسون یک نوآوری عالی در برنامه تجاری شرکت ایجاد کرد.

خلاقانه

اگر چیزی یا کسی مبتکر باشد ، می تواند با روشهای خلاقانه فکر کند.

از آنجا که پیتر بسیار ابتکاری بود ، به عنوان سرپرست تیم علمی انتخاب شد.

راه اندازی

راه اندازی چیزی به معنای حرکت دادن آن است.

قایق از اسکله پرتاب شد و در پایین رودخانه شناور شد.

هواشناسی

اگر چیزی هواشناسی باشد ، مربوط به علم آب و هوا است.

رعد و برق به قدری بزرگ بود که به یک واقعه بزرگ هواشناسی تبدیل شد.

هواشناسی

هواشناسی علمی است که هوا را مورد مطالعه قرار می دهد.

برای درک آب و هوا ، شما باید هواشناسی را مطالعه کنید.

نفوذ کردن

نفوذ در چیزی به معنای ورود به آن است.

چاقو به راحتی به سطح نارنجی نفوذ کرد.

پیشراشه

پیشراشه نیرویی است که چیزی را به جلو می برد.

پیشراشه موشک را به آسمان بلند کرد.

شبیه سازی

شبیه سازی چیزی به معنای کپی کردن اقدامات یا ویژگی های آن است.

معلم زبان فرانسه می تواند لهجه یک شهروند فرانسوی را شبیه سازی کند.

تحریک کردن

تحریک کسی به معنای ترغیب وی به عمل است.

صحبت های مربی تیم او را به انجام بهترین بازی زندگی خود تحریک کرد.

تحریک

تحریک چیزی به معنای ایجاد یا افزایش فعالیت در آن است.

پزشکان گاهی اوقات از شوک الکتریکی برای تحریک ضربان قلب بیمار استفاده می کنند.

سرسخت

اگر کسی سرسخت باشد ، پس به راحتی تسلیم نمی شود.

من مطمئن هستم که او آن فروش سخت را به پایان خواهد رساند. او بسیار سرسخت است.

مخترع سرسخت

یک دانشجوی جوان هواشناسی با یک آزمایش روزهای سختی را سپری کرد. او در تلاش بود تا رعد و برق را در ابرها کپی کند. او وسیله ای ساخته بود که می تواند رعد و برق را شبیه سازی کند. این کار با آزاد کردن یک نبض الکترومغناطیسی به ابر انجام می شود. این نبض ، به نوبه خود ، الکترونهاي ذرات ابر را تحریک می کرد. سپس الکترون ها رعد و برق تولید میکردند.

اما آزمایش هواشناسی او یک نقص عمده داشت. او نتوانست دستگاه را وارد آسمان کند.

او آن را به بالن بسته بود اما آنها ترکیده بودند. او دستگاه را از یک توپ شلیک کرده بود ، اما نیروی توپ به آن آسیب رسانده بود.

دوستانش به او گفتند: "باید تسلیم شوی". "شما هرگز آن چیز را به هوا نخواهید رساند."

اما انتقادات دوستانش فقط او را تحریک کرد تا دوباره تلاش کند. دانش آموز بسیار مبتکری بود ، و در آخر ، او فکر کرد که او نوآوری دارد که می تواند موثر باشد. او بالها را به دستگاه متصل کرد و در یک روز دلهره آور ، هنگامی که ابرها نور خورشید را مسدود کردند ، آزمایش خود را از نو آغاز کرد.

او دستگاه را روی موشک قرار داد و آن را به آسمان پرتاب کرد. پایشرا نه موشک دستگاه را به هوا بالا می برد. موشک به سرعت در ابرها شتاب گرفت و سپس دستگاه را آزاد کرد. از طریق ابرها روی بالهایش سر خورد و وقتی به مرکز یک ابر سیاه بزرگ نفوذ کرد ، نبض الکترومغناطیسی را ساطع کرد. و درست همانطور که پیش بینی کرده بود ، رعد و برق از ابر شلیک شد!

او اساتید خود را صدا کرد و روز بعد آنها به تماشا آمدند. او با موفقیت این آزمایش را تکرار کرد. معلمان او بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند و دانش آموز و اختراع او را مبتکرانه خواندند.

جوایز زیادی به دانشجو اعطا شد و مخترع مشهوری شد. تسلیم نشده بود. او سرسخت باقی مانده بود و موفق شده بود.